

خبرخوان

رسیدگی فوری به دانش‌آموزان آسیب‌دیده

ایستنا وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه اطلس آسیب‌های روانی و اجتماعی دانش‌آموزان طراحی و پیگیری می‌شود، گفت: «آسب‌های روانی براساس آزمون‌های استاندارد غربالگری استخراج شده. براساس هدف‌گذاری امسال، کل دانش‌آموزان به غیر از پایه دوازدهمی‌ها که به دلیل امتحانات نهایی از مجموعه آموزش و پرورش خارج می‌شوند، با جمعیتی بالغ بر ۱۴ میلیون نفر مورد غربالگری قرار می‌گیرند، علیرضا کاظمی با بیان اینکه نقشه راه دقیقی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی ترسیم کرده‌ایم، ادامه داد: «یکی از پشخ‌های مهم کشور در سطح عالی در پیشگیری از جرم و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، قوه قضائیه است که شورای‌عالی پیشگیری از جرم قوه قضائیه بالاترین جایگاه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در سطح کشور را دارد که رئیس این شورا، رئیس قوه قضائیه است که راهبری این شورا و برنامه‌ها را بر عهده دارند». او با بیان اینکه نقطه آغاز بحث نمد از قوه قضائیه شکل گرفته است، گفت: «اولین کاری که در دستور کار قرار دادیم، تبیین وضعیت موجود است؛ ازاین‌رو اطلس آسیب‌های روانی و اجتماعی را در دو مسیر دنبال می‌کنیم، برای هر دو مسیر هم طراحی دقیق انجام داده‌ایم. آسیب‌های روانی را براساس آزمون‌های استاندارد غربالگری درآورده‌ایم. سال گذشته حدود هشت میلیون دانش‌آموز را غربالگری کردیم که عدد بسیار بالایی است و امسال هدف‌گذاری شده تا کل دانش‌آموزان، به غیر از پایه دوازدهمی‌ها را که به دلیل امتحانات نهایی از مجموعه آموزش و پرورش خارج می‌شوند، غربالگری می‌کنیم، بنابراین بیش از ۱۴ میلیون دانش‌آموز غربالگری می‌شوند که اکنون ۹۰ درصد این تعداد (۱۴ میلیون دانش‌آموز) غربالگری شده‌اند که عدد بسیار بالایی است». او ادامه داد: «اطلس آسیب‌های روانی ترسیم شده است و دقیقا اطلاع داریم که چه استان، چه منطقه، چه مدرسه، کدام جنسیت و چه مقطعی بیشترین افسردگی را دارد و آمار و اطلاعات دقیق را داریم». کاظمی به موضوع آسیب‌های اجتماعی اشاره کرد و افزود: آسیب‌های اجتماعی را براساس سامانه رصدی که اطلاعات را از مدیران دریافت می‌کنیم، ثبت می‌کنیم که مشخص می‌شود در هر مدرسه چه تعداد دانش‌آموز تیتیم، بی‌سریست، معناد و دچار مفاسد اخلاقی یا در معرض آسیب وجود دارد که براساس آن اطلسی را ترسیم کردیم که براساس این اطلس دو مسیر در نظر گرفته‌ایم». کاظمی با بیان اینکه موضوع پیشگیری از آسیب‌ها را همگی راهبری می‌کنیم، افزود: «در دو آسیب تمرکز بیشتری کردیم؛ یکی خودکشی که حیات انسان‌ها به آن بستگی دارد و خود را مکلف می‌دانیم این را به فوریت رسیدگی کنیم؛ دیگری بحث اعتیاد است که با برنامه‌های وسیع‌تری و با کمک ستاد مواد مخدر دنبال کردیم. آمار و ارقام حکایت از این دارد که نتایج خوبی انجام شده است».

پردیسان قرنطینه‌شد

ایلنا: معاون دفتر حیات وحش سازمان محیط زیست گفت: «قرنطینه پردیسان تا ۱۰ تا ۱۴ روزه آیین ادامه دارد تا از شايع‌نبودن بیماری اطمینان حاصل شود». معصومه صفایی، درباره وضعیت پارک پردیسان گفت: «متأسفانه ما با مشکل گذرسانی غیراصولی به حیوانات در محدوده پردیسان مواجهیم. با وجود تأکیدهای مکرر، این عمل باید مدیریت‌شده و آگاهانه انجام شود. دوست‌داران حیوانات گاه علاقه خود را در جای نامناسب ابراز می‌کنند». او با بیان اینکه پردیسان مجموعه‌ای تحت نظر سازمان حفاظت محیط زیست و محل نگهداری حیوانات وحشی بیمار، آسیب‌دیده و مشکل‌دار است، افزود: «این مجموعه درواقع یک بیمارستان حیات وحش است و لازم است محیطی ایزوله‌تر داشته باشد و کمتر در معرض تعاملات غیرضروری قرار گیرد. اما متأسفانه برخی شهروندان گمان می‌کنند ما دشمن جانوران هستیم، درحالی‌که تمام دغدغه ما حفظ این موجودات است». او در توضیح خطرات گذرسانی بی‌ضابطه گفت: «تامین غذا و پناه به صورت غیراصولی، باعث کاهش هوشیاری طبیعی حیوان و افزایش بی‌رویه جمعیت می‌شود. آنچه به‌تازگی رخ داد، ناشی از تردد گربه‌های اهلی و انتقال یک ویروس خطرناک بود که متأسفانه باعث ابتلای دو گربه‌سان در پردیسان شد». صفایی درباره شیوع بیماری ویروسی در پارک پردیسان، به پاسخ به این پرسش‌ش که «قرنطینه در محوطه بزرگ پردیسان اجرا می‌شود؟» توضیح داد: «قرنطینه ما متمرکز بر گربه‌سانان وحشی است. درواقع محدوده کلینیک پردیسان که مانند بخش‌های عمومی و ویژه یک بیمارستان عمل می‌کند، کاملاً ایزوله شده است. حیوانات تحت درمان یا آنهایی که به دلیل آسیب شدید امکان راه‌سازی ندارند، در قفس‌های مجزا در این محوطه نگهداری می‌شوند. مشابه بیمارستان‌های انسانی، پس از بهبودی یا تعیین تکلیف نهایی، از این بخش منتقل می‌شوند. اکنون همه ورود و خروجی به این محدوده انجام نمی‌شود و تمام پروتکل‌های جلوگیری از انتشار ویروس به‌دقت رعایت می‌شود». او درباره معیار پایان دوره قرنطینه گفت: «مانند پروتکل‌های مقابله با بیماری‌هایی مانند کرونا، باید دوره نهفتگی بیماری سیری شود. فکر می‌کنم حدود ۱۰ تا ۱۴ روز نیاز است تا مطمئن شویم دیگر حیوانات هیچ علامتی نشان نمی‌دهند. پس از اطمینان، می‌توانیم سطح اقدامات حفاظتی را به‌تدریج کاهش دهیم».

یادداشت

بازاندیشی در نسبت دولت با جامعه و بازار

دولت با پذیرفتن هرگونه سامان‌دهی اقتصاد و جامعه غیر از سازوکارهای دولتی و پذیرش همه امور، مطالبات و اعتراضات گروه‌های اجتماعی را متوجه خود می‌کند. جامعه ایران بیش از پیش به نحوه سامان‌دهی اقتصاد و بازار بر مبنای سازوکار توزیع منابع کمیاب بین گروه‌های خاص، معترض است. بنابراین، اندیشه برابری خواهی و ضد تبعیض در حوزه اقتصاد گسترش یافته است. چالش‌های اقتصادی و اعتراض اقتصادی به دلیل ارتباط نامناسب دولت با گروه‌های خاصی است که به بهانه تولید و واردات، از مزیت‌ها و تمهیدات اقتصادی رانتی بهره می‌برند. این گروه‌ها به جای افزایش ثروت جامعه، آن را می‌بلعند.

جامعه ایران خواستار دموکراسی و شفافیت در حوزه اقتصاد است. اقتصاد به جای اینکه توسط فعالان اقتصادی قوام یابد و دولت فضا را برای آنها فراهم آورد، توسط نقطه‌نظرهایی تعیین می‌شود که کلیت جامعه را به‌لحاظ ایدئولوژیکی تعریف می‌کنند به این معنا که ایدئولوژی را بنیاد اقتصاد می‌بندارند. سازوکارهایی که ابزار، مزیت‌ها و تمهیدات اقتصادی را در اختیار دارند، بدون توجه به مطالبات جامعه و حتی در تضاد با آن منافع خود را گسترش می‌دهند. یعنی منافعشان در تضاد با منافع عمومی است. دولت برای ارتباط مناسب با جامعه و بازار در وهله نخست باید امتیازات اقتصادی انحصاری و رانتی برای مسئولان سیاسی یا کسانی که از این مسئولان ارز و منابع کمیاب برای کمک به اقتصاد کشور دریافت کرده‌اند اما خلاف آن عمل کرده‌اند را حذف کند. به عبارتی منافع گروه‌هایی که رفتار آنها در راستای شرایط بازار نیست و بازار را متلطم می‌کنند، به حداقل برسد. به جای آن، به قول ماکس وبر، باید گروه‌هایی که از منافعشان در گسترش هر چه بیشتر قابلیت عرضه کالا نهفته است، تقویت کرد.

بازاندیشی در ارتباط دولت با جامعه و بازار به دلیل اینکه بیشتر درآمد دولت از مالیات است، ضروری‌تر به نظر می‌رسد. الان که افراد مالیات بیشتری می‌پردازند، نسبت به اختصاص تبعیض آمیز و انحصاری امتیازها، تمهیدات و منابع اقتصادی حساس‌تر هستند. اما نقد این امتیازات و انحصار تبعیض‌آمیز به این معنا نیست که می‌توان با سیاست مسکنی مانند سازوکار یارانه‌ای به جامعه، اقتصاد و بازار را سامان داد. در‌احل این نیست که مبلغ یارانه را بیشتر کرد، باید با سیاست عقلایی، اقتصاد و بازار را پویا کرد.

مریم لطفی: زمستان‌های دهه ۷۰، وقتی باد از بین ساختمان‌های خسته و قدیمی و حیاط‌های برفی مدارس می‌وزید، سکوتی سنگین بر کلاس‌های درس سایه می‌انداخت. صدای قد‌ها روی زمین یخ‌زده و وزش باد سرد بیرون، فضایی سرد و مهیوت‌کننده می‌ساخت؛ جایی که یادگیری و ترس گاه در هم آمیخته بود. آن موقع کتک‌خوردن در کلاس درس عادی بود؛ حتی برای دخترچیزها و پسرچیزهای کم‌جانی که هم‌زمان هم از سرما می‌لرزیدند، هم از وزش باد خط‌کش‌های چوبی که روی دست‌های لاغرشان فرود می‌آمد. امروز اما تصویر کاملاً متفاوت است. خانواده‌ها به مراتب آگاه‌تر شده‌اند و نسبت به حقوق فرزندان خود حساسیت بیشتری دارند؛ دانش‌آموزان، والدین و حتی معلمان، محدودیت‌های قانونی و آیین‌نامه‌ای آموزش‌وپرورش را می‌شناسند و هرگونه خشونت در مدرسه را زیر ذره‌بین می‌برند. سیستم آموزشی نیز با بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های جدید، برخورد با معلمان خاطی و حمایت از دانش‌آموزان را جدی گرفته است. با این حال، این گزارش نشان می‌دهد که هنوز در برخی مدارس پسرانه و مناطق حاشیه‌ای، تنبیه بدنی و خشونت، هرچند به شکل آشکار سابق نیست، بخشی از تجربه دانش‌آموزان محسوب می‌شود.

از قانون تا عمل

از دهه‌های گذشته، نظام آموزشی ایران در قوانین و آیین‌نامه‌ها به ممنوعیت تنبیه بدنی دانش‌آموزان اشاره داشته، اما اجرای آن همواره با چالش مواجه بوده است. طبق ماده ۸۱ آیین‌نامه اجرایی مدارس، هرگونه تنبیه بدنی و سوءرفتار با دانش‌آموزان ممنوع است و با متخلفان باید برخورد قانونی شود. با این حال، استمرار موارد مشهود نشان می‌دهد صرف وجود قانون برای تغییر رفتار کافی نیست. هفته گذشته، وزیر آموزش‌وپرورش بخش‌نامه‌ای با عنوان «ممنوعیت تنبیه بدنی دانش‌آموزان» به ادارات کل، مناطق و مدارس ابلاغ کرد؛ اقدامی که اجراکردن و تأکید دوباره بر ممنوعیت و نظارت دقیق را هدف گرفته است. با وجود ممنوعیت قانونی، آمار شفاف و گزارش رسمی آموزش‌وپرورش درباره تخلفات و برخوردها در دسترس نیست و اغلب اطلاعات از رسانه‌ها و پیگیری قضائی پس از رسانه‌ای‌شدن حادثه به دست می‌آید. هم‌زمان، نهادهای حمایتی و فعالان حقوق کودک بارها نسبت به تداوم خشونت آشکار و پنهان در مدارس هشدار داده‌اند؛ خشونت‌هایی که شامل ضرب‌وتشتم، تحقیر، تهدید و رفتارهای روانی آسیب‌زا بوده و مصداق سوءرفتار محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد بخش‌نامه جدید وزیر هم، تلاشی برای پررنگ‌کردن مسئولیت مدیریتی و حرکت از کلی‌گویی آیین‌نامه‌ای به پاسخ‌گویی عملی است.

کلاس درس یا صحنه خشونت؟

با اینکه امروز خانواده‌ها آگاه‌تر شده‌اند و آموزش‌وپرورش بر رعایت حقوق دانش‌آموزان نظارت جدی دارد، گزارش‌های رسانه‌ای اخیر نشان می‌دهد خشونت در مدرسه هنوز به طور کامل ریشه‌کن نشده است. در پاییز ۱۴۰۳، پرونده‌ای در یکی از مدارس ارومیه به دلیل تنبیه بدنی یک دانش‌آموز رسانه‌ای شد؛ اقدامی که واکنش افروزی، سنجش و گوش‌نیت‌هایی که داشت اما جزئیات نتیجه رسیدگی منتشر نشد. در بهمن همان سال، خبری مشابه از یک مدرسه در جتوند منتشر شد. اردیبهشت ۱۴۰۴، ویدئویی از تنبیه سه دانش‌آموز در گرمناشاه توجه عمومی را جلب کرد و معلم خاطی به هیئت رسیدگی معرفی شد، هرچند نتیجه نهایی همچنان رسانه‌ای نشده. موارد دیگر از قزوین، بوکان، سنندج و گویگرد پیشگیرانه می‌دهد که سرعت واکنش‌ها غالباً جای شفافیت و پیگیری دقیق را گرفته و خانواده‌ها، با وجود اعتراض، پاسخ روشنی دریافت نمی‌کنند. این پرونده‌ها تصویری از خشونت‌ی ارانه می‌کنند که گاه از بهانه‌های کوچک آغاز می‌شود و تجربه‌ای جدی برای دانش‌آموزان می‌سازد.

آموزش‌وپرورش: نظارت‌های استانی داریم

درحالی که هم‌زمان با ابلاغ دوباره بخش‌نامه «ممنوعیت تنبیه بدنی دانش‌آموزان»، پرسش‌هایی درباره جرایم این تأکید مجدد و نسبت آن با موارد رسانه‌ای‌شده تنبیه در مدارس مطرح شده، مسئولان آموزش‌وپرورش تأکید دارند که این ابلاغ نه واکنشی به افزایش تخلف، بلکه بخشی از رویکرد پیشگیرانه و آموزشی این وزارتخانه است. رضا روستایی، مدیرکل ارزیابی عملکرد و پاسخ‌گویی به شکایات وزارت آموزش‌وپرورش، در گفت‌وگو با «شرق» با تأکید بر همین رویکرد، تنبیه بدنی را «خط قرمز» نظام آموزشی می‌داند و می‌گوید نگاه آموزش‌وپرورش در این حوزه، بیش از هر چیز، نگاهی تربیتی و بازدارنده است. به گفته روستایی، در دستورالعمل‌های مرتبط، سه محور اصلی مورد توجه قرار گرفته است: «در این دستورالعمل‌ها هم مدرسه دیده شده، هم معلم و هم دانش‌آموز. نگاه ما این



روایت معلمان، والدین و فعالان اجتماعی از تجربه تنبیه بدنی دانش‌آموزان در گفت‌وگو با «شرق» و پاسخ آموزش‌وپرورش

است که اساساً خشونت در فضای آموزشی، به هر نحوی، از هر سمتی و به هر دلیلی، مردود و منفی است». مدیر کل ارزیابی عملکرد وزارت آموزش‌وپرورش با اشاره به مسیر قانونی رسیدگی به تخلفات تأکید می‌کند: «اگر معلمی مرتکب تخلف شود، سیر قانونی آن کاملاً مشخص است. آیین‌نامه اجرایی مدارس وجود دارد، هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری فعال هستند و موارد به این هیئت‌ها راجع داده می‌شود. ممکن است در میان نزدیک به بی میلیون نیروی فرهنگی، فردی دچار خطا شود؛ این اتفاق افتاده و در سطح کشور هم مواردی بوده، اما طبق قانون با آن برخورد می‌شود». به گفته مدیر کل ارزیابی عملکرد وزارت آموزش‌وپرورش، هر استان از طریق بازرسی، حراست و هیئت‌های رسیدگی به تخلفات مسئول پیگیری این موارد است؛ با این حال، آمار تجمع‌شده و دقیقی از تعداد برخوردها در سطح ملی در دست نیست.

روستایی در عین حال بر ضرورت حفظ شأن معلمان نیز تأکید می‌کند و می‌گوید: «در کنار این، حرمت معلم برای ما واجب است. حفظ نیروی انسانی از وظایف آموزش‌وپرورش است و اگر نسبت به معلمی اتفاقی بیفتد، وظیفه ما حمایت از معلم است. بنابراین سه مؤلفه اصلی داریم؛ مدرسه به‌عنوان محل مقدس تعلیم و تربیت، معلم به‌عنوان ارزشمندترین سرمایه انسانی آموزش‌وپرورش، و دانش‌آموز به‌عنوان ولی‌نعمت ما که وظیفه تربیت او را بر عهده داریم». روستایی همچنین برداشت رایج درباره شیوع بیشتر یا پنهان‌ماندن تنبیه بدنی در مناطق محروم و دورافتاده را نادرست می‌داند و تأکید می‌کند که سطح آگاهی نسبت به حقوق آموزشی محدود به کلان‌شهرها نیست. به گفته او، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و فرهنگیان در سراسر کشور نسبت به حقوق خود شناخت دارند و موارد تخلف، صرف‌نظر از موقعیت جغرافیایی، امکان پیگیری و طرح مطالبه را پیدا می‌کند. او البته وقوع خطا را به‌طور مطلق نفی نمی‌کند: «ما نمی‌گوییم اتفاقی نمی‌افتد؛ ممکن است خطایی صورت بگیرد. اما حتی در دورافتاده‌ترین روستاهای کشور هم داشته‌ایم که معلمی خطا کرده و اولیا ایستاده‌اند و پیگیری کرده‌اند و برخورد شده است. به‌نظر من تفکیک بین کلان‌شهر، شهر کوچک یا منطقه محروم، تفکیک درستی نیست». او در جمع‌بندی موضع آموزش‌وپرورش تأکید می‌کند: «نگاه ما این است که تنبیه بدنی خط قرمز آموزش‌وپرورش است. قطعاً مورد تأیید هیچ‌کس نیست و هیچ‌کدام از بزرگان تعلیم و تربیت هم آن را تأیید نمی‌کنند. روش‌های برخورد و تنبیه کاملاً مشخص است و در آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب سال ۱۴۰۰ شورای عالی آموزش‌وپرورش به‌صورت شفاف آمده؛ از دعوت دانش‌آموز، حضور مشاور و خانواده تا حل‌وفصل مسئله به شیوه تربیتی».

تنبیه: تجربه روزمره دانش‌آموزان

درحالی‌که مسئولان آموزش‌وپرورش بیر آگاهی عمومی خانواده‌ها و امکان پیگیری تخلفات در همه مناطق کشور تأکید دارند، روایت‌های میدانی فعالان اجتماعی در مناطق محروم، تصویر متفاوتی از واقعیت مدرسه ارائه می‌دهد؛ تصویری که در آن، خشونت نه استثنا، بلکه بخشی از تجربه روزمره برخی دانش‌آموزان است. کثشوم بزی، فعال و تسهیلگر اجتماعی در سیستان‌وبلوچستان، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید که تجربه‌های مستقیم او از کار با کودکان و خانواده‌ها، نشان می‌دهد تنبیه بدنی و خشونت در مدارس، به‌ویژه مدارس پسرانه، پدیده‌ای رایج است. بزی با اشاره به کارگاه‌های حقوق کودک که در روستاها و شهرهای استان برگزار کرده، می‌گوید: «در یکی از این کارگاه‌ها، حتی با حضور معلمی که از نظر ما همراه و دلسوز بود، وقتی از بچه‌ها پرسیدیم آیا در مدرسه کتک می‌خورند یا نه، تقریباً همه پاسخ مثبت دادند». به گفته او، در برخی روستاها، ترک تحصیل پسران به‌طور مستقیم با تجربه تنبیه بدنی گره خورده است؛ کودکانی که می‌گویند «ما این‌ها را می‌زنند» و به همین دلیل مدرسه را رها کرده‌اند. او توضیح می‌دهد که در گفت‌وگو با برخی معلمان در مناطق جنوبی استان، تنبیه بدنی گاه به‌عنوان واکنشی ناگزیر به رفتارهای دانش‌آموزان توجیه می‌شود؛ رفتارهایی مانند تخریب اموال مدرسه که به گفته این معلمان، در نهایت یا با کتک‌زدن پاسخ داده می‌شود یا به اخراج دانش‌آموز از مدرسه می‌انجامد. «این خشونت فقط محدود به روستاها نیست و در زاهدان نیز به‌طور گسترده مشاهده می‌شود».

این فعال اجتماعی می‌گوید که گزارش‌های متعدد از تنبیه بدنی پسران دریافت کرده است: «فضای خشونت در مدارس پسرانه آن‌قدر بالاست که در برخی موارد، پای کلاتر هم به‌ما مجرا باز شده و اخراج‌های چندماهه دسته‌جمعی دانش‌آموزان رخ داده است». بزی، ریشه بخشی از این خشونت را در نبود برنامه‌های پیشگیرانه می‌داند: «نه برنامه آموزشی مناسبی وجود دارد، نه

کتک و تحقیر؛ سهم پسران مدارس کم‌برخوردار

مدیرکل ارزیابی عملکرد وزارت آموزش‌وپرورش به «شرق» می‌گوید که تنبیه بدنی «خط قرمز» نظام آموزشی است و خشونت در فضای آموزشی، به هر نحوی، از هر سمتی و به هر دلیلی، مردود است

فعالیت‌های ورزشی و تفریحی که انرژی بچه‌ها تخلیه شود. نتیجه این می‌شود که خشونت بین خود بچه‌ها بالا می‌گیرد و بعد هم با خشونت از سوی مدرسه پاسخ داده می‌شود. بی‌توجهی به این واقعیت‌ها، هزینه‌ای دارد که مستقیم‌اً از زندگی و آینده کودکان مناطق محروم پرداخت می‌شود». او می‌گوید در سال‌های اخیر، به‌ویژه در مقطع متوسطه دوم و میان دانش‌آموزان پسر، تنبیه فیزیکی به‌ندرت دیده می‌شود. به گفته او تنبیه بدنی «نه بر این نسل جواب می‌دهد و نه اساساً امکان اجرای آن وجود دارد». به گفته کریم‌پور، حساسیت خانواده‌ها افزایش یافته و هرگونه برخورد فیزیکی می‌تواند تبعات جدی حقوقی و اداری برای معلم داشته باشد؛ «در مواجهه با رفتارهای مسئله‌دار، نهایت واکنش‌ها به محرومیت موقت از کلاس یا ارجاع‌های اداری محدود می‌شود، هرچند به اعتقاد او حتی این روش‌ها نیز برای بسیاری از دانش‌آموزان بازدارنده نیست».

خشونت وارداتی به مدرسه

البته ماجرا به مناطق دورافتاده‌تر در کشور محدود نیست و گزارش‌ها از مناطق حاشیه‌ای استان تهران هم قابل توجه است؛ جایی که خشونت، نه‌تنها در مدرسه، بلکه در محیط خانواده و محله، بخشی از تجربه روزمره کودکان است. نغمه معنوی، معلم و تسهیلگر در این مناطق، در گفت‌وگو با «شرق»، می‌گوید سطح خشونت در مدارس پسرانه و دخترانه به شکل قابل توجهی متفاوت است: «در مدارس دخترانه، تنبیه بدنی به ندرت اتفاق می‌افتد و اگر هم رخ دهد، محدود به رفتارهایی مانند هل‌دادن است. اما در مدارس پسرانه، تنبیه بدنی و خشونت میان دانش‌آموزان همچنان شایع است و بخشی از شیوه ارتباط برقرارکردن آنها با یکدیگر به شمار می‌رود». او ادامه می‌دهد: «خشونت در مدرسه غالباً وارداتی از محیط بیرون است؛ از خانواده کوچک و خیابان و نه صرفاً عملکرد مدرسه. بسیاری از پسران این مناطق با تجربه کتک‌خوردن و تعرض‌های مختلف بزرگ شده‌اند و این الگوها به فضای مدرسه منتقل می‌شود».

به گفته او، توجه به این واقعیت‌ها برای تحلیل تنبیه و خشونت در مدارس مناطق حاشیه‌ای اهمیت دارد: «بسیاری از این کودکان، همچنان با خشونت‌های روزمره در ارتباط هستند که آموزش رسمی به تنهایی نمی‌تواند آن را خنثی کند».

تجربه پدر یک دانش‌آموز در تهران

در کنار روایت معلمان و فعالان اجتماعی، تجربه برخی والدین از مواجهه مستقیم با تنبیه بدنی، تصویر دیگری از این مسئله ترسیم می‌دهد؛ تجربه‌ای که نشان می‌دهد حتی در مدارس شهری تهران نیز برخورد فیزیکی همچنان می‌تواند رخ دهد. رضا پدر یک دانش‌آموز پسر کلاس نهمی در تهران، به «شرق» می‌گوید هرچند فضای آموزشی نسبت به گذشته تغییر کرده اما تنبیه بدنی هنوز به‌طور کامل از مدرسه حذف نشده است. به گفته او، «هنوز معلمانی هستند که با همان الگوهای قدیمی رفتار می‌کنند؛ گاهی برخورد را در قالب شوخی شروع می‌کنند و حتی دانش‌آموز از ترس، موضوع را به خانواده منتقل نمی‌کند». این پدر می‌گوید پس از برخورد فیزیکی معاون مدرسه با فرزندش، نه‌تنها تماس اولیه‌ای از سوی مدرسه با خانواده گرفته نشد، بلکه در مراجعه حضوری نیز مدیر مدرسه مسئولیت را متوجه نیروی خطای ندانست و تلاش کرد مسئله را به رفتار دانش‌آموز نسبت دهد: «انتظار حداقلی این است که مدیر مدرسه مسئولیت بپذیرد، توضیح بدهد یا عذرخواهی کند، نه اینکه همه پیکان‌ها به سمت بچه برگردد».

رضا توضیح می‌دهد که این موضوع را از طریق آموزش‌وپرورش نیز پیگیری کرده است و تجربه‌های قبلی‌اش نشان می‌دهد نام این نهاد معمولاً حساسیت ایجاد می‌کند، اما روند رسیدگی طولانی و فرساینده است. با این حال، او می‌گوید پس از پیگیری، نگرانی تازه‌ای به ذهنش اضافه شد: «این ترس که نکند بعد از شکایت، برخوردهای غیرمستقیم با بچه شروع شود». نگرانی‌ای که باعث شده همچنان وضعیت مدرسه و رفتار کادر آموزشی با فرزندش را زیر نظر داشته باشد. با این اوصاف، روشن است که آینده آموزش بدون توجه به این واقعیت‌ها و تضمین امنیت روانی دانش‌آموزان میسر نخواهد بود.

خبرهای روز

افزایش آسیب‌های اجتماعی

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه با اشاره به فعالیت ۲۶۰ هزار خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد گفت: «برای شناسایی بازماندگان از تحصیل باید اقدام فوری انجام شود و این ظرفیت‌ها می‌توانند در شناسایی و بازگرداندن دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا کنند؛ زیرا اگر امروز به بازماندگان تحصیل رسیدگی نکنیم، فردا با بیکاری و بزهکاری روبه‌رو می‌شویم». اصغر جهانگیر آمار بازماندگی از تحصیل را هشدار جدی برای کشور خواند و گفت: «بازماندگی از تحصیل به اقدام فوری نیاز دارد؛ زیرا آمار بازمانده از تحصیل زیاد است و این آمار یک هشدار جدی برای کشور است و باید اطلاعات این افراد سریع‌تر در اختیار نهادهای حمایتی قرار گیرد و برای شناسایی و بازگرداندن آنها به مدرسه اقدام عملی انجام شود. همچنین ظرفیت خیرین می‌تواند نقش مؤثری در حل این مسئله ایفا کند». او ادامه داد: «هم‌توان بسیاری از این دانش‌آموزان را طی یک سال به مدرسه بازگرداند. باید بازگشت آنها را پایدار و ماندگار کنیم. نباید بازگشت به مدرسه مقطعی و کوتاهمدت باشد. باید این دانش‌آموزان را برای آینده‌ای بهتر آماده کنیم. می‌توان آنها را مانند سایر دانش‌آموزان به مسیر پیشرفت هدایت کرد. این تلاش می‌تواند پایایی صالحات برای همه باشد. هرچه داریم از معلمان داریم و نباید آنها را فراموش کنیم، پیشرفت شهید، قهرمانان و بزرگان کشور از مسیر تعلیم معلمان گذشته است». او در ادامه با اعلام اینکه آسیب‌های اجتماعی در ایران مانند سایر کشورها وجود دارد و در جایی ممکن است به دلایل خاص اقتصادی و سیاسی مواردی که به صورت تحصیلی بر کشور حاکم شده، افزایش پیدا کرده باشد، ادامه داد: «با وجود همه تلاش‌ها اما واقعیت امروز این است که آسیب نه‌تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه در ابعاد مختلف رو به افزایش است و تقریباً سر جمع آسیب‌های کشور روند رو به افزایش دارد. این موضوع نشان می‌دهد اقدامات انجام‌شده متناسب با سرعت آسیب‌ها حرکت نکرده و نتوانسته است موجب کنترل یا کاهش آسیب‌های اجتماعی شود و آسیب‌های اجتماعی کلان کشور قطعاً به آموزش و پرورش هم سرازیر می‌شود».

شناسایی ۱۵مخدر جدید در کشور

مشاور رئیس‌جمهور و دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر از شناسایی ۱۵ نوع ماده مخدر و روان‌گردان جدید در کشور خبر داد و گفت: «این مواد در سطح جهانی مصرف می‌شود و پس از آنکه وزارت بهداشت و سازمان بهداشت جهانی با دریافت گزارش‌ها، بررسی‌ها را آغاز می‌کنند، در صورت تأییدشدن ماهیت مخدربودن آن، به کشورها اعلام می‌شود که آن ماده، مخدر است». حسین ذوالفقاری درباره ورود ۸۵ نوع ماده مخدر جدید در پنج ماه گذشته در سطح جهان و گزارش‌هایی درباره موادی مانند «کپتاکون»، افزود: «ظهور مواد مخدر صنعتی در جهان، معمولاً یک فرایند طولانی را می‌گذراند؛ به این معنا که مخدر تولید و توزیع شده و افراد آن را با اسامی مختلف مصرف می‌کنند، بدون آنکه در ابتدا مشخص باشد که ماهیت مخدر دارد». ذوالفقاری ادامه داد: «به دلیل آنکه این مواد جدید، هنوز در قوانین کشورها جرم‌انگاری نشده‌اند، مشکل جدید به وجود می‌آید؛ در چنین شرایطی حتی اگر مأموران انتظامی این مواد را کشف کنند، به دلیل نبود قانون مشخص برای برخورد، سیستم قضائی با مشکل مواجه می‌شود. راهکار این موضوع، جرم‌انگاری این مواد از طریق مجلس شورای اسلامی است تا برای آنها مجازات تعیین شود و سپس، پلیس و دستگاه قضائی بتوانند برخورد قانونی انجام دهند». او با اشاره به پیشنهاد ارائه‌شده از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر ادامه داد: «در همین راستا و در تدوین لایحه قضات فراهم شود. اگر مجلس این لایحه پیشنهادی را تصویب کند، امکان اجرای این روند میسر می‌شود». به گفته ذوالفقاری، اکنون ۱۵ نوع مواد روان‌گردان و در مقادیر محدود با نام‌های «بومزای»، «دستمال»، «کروکودیل»، «غبار میمون»، «سورچه»، «کات»، «کمیkal»، «کت‌کت»، «اسپایس»، «فلاکا»، «فانتیل»، «ترنک»، «CB-2»، «کامبین و بتل کامبین» و «کی-۲» در کشور وجود دارد.